« به نام حق »

جزوه پرسش و پاسخ فلسفه 2

پایه: دوازدهم انسانی

درس اول تا ششم (نوبت اول)

تهیه و تنظیم: یعقوب ابابکری دبیر فلسفه و منطق

(شهرستان بندرلنگه استان هرمزگان)

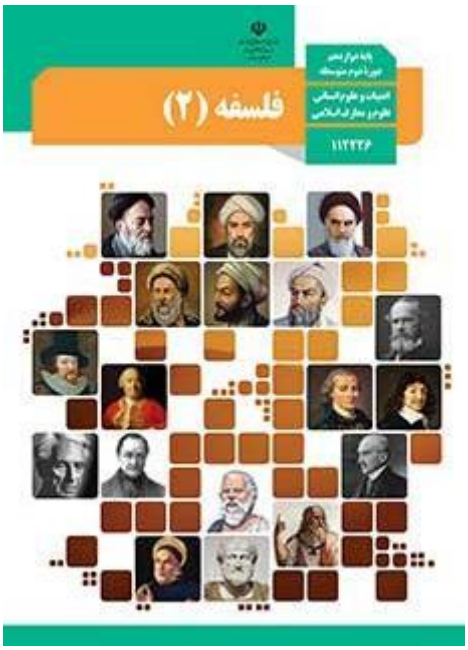

شامل : پرسش و پاسخ درس به درس

حل تمارین کتاب

نکات مهم و کلیدی

و سوالات امتحان نهایی

« درس اول : هستی و چیستی »

1.رفتارهای طبیعی و معمولی که از همه انسان ها سر می زند مانند نوشیدن آب هنگام تشنگی یا خوردن غذا موقع گرسنگی و .. بیانگر چه پیام های فلسفی هستند؟ (تمرین کتاب)

الف) واقعیاتی در خارج از ذهن وجود دارد (آب و غذا و .. واقعا هستند.)

ب) بین واقعیت ها تفاوت و تمایز وجود دارد.

ج) بعضی چیزها واقعی و برخی غیر واقعی و خیالی اند مانند سراب.

---

2. وقتی یک کودک با نشان دادن یک فیل یا زرافه می پرسد این چیست به چه چیزی پی برده و به دنبال چیست؟

کودک با استفاده از کلمه ی این یا آن نشان می دهد که به وجود حیوانات پی برده است و می داند که آن ها موجودند اما از چیستی و ماهیت آنها آگاه نیست، او می خواهد حیوانات را بشناسد و از چیستی شان آگاه شود هر چند که این آگاهی کامل نباشد.

---

3. انسان در هر چیزی که مشاهده می کند دو جنبه می یابد آن ها را نام ببرید.

موجود بودن (هستی) و چیستی داشتن (ماهیت).

---

4. وجه مشترک و اختصاصی موجودات را بنویسید و توضیح دهید.

وجود وجه مشترک موجودات است یعنی موجودات و اشیاء از حیث بودن و هستی یکسان و مشترکند

برای مثال انسان وجود دارد، اسب وجود دارد و سنگ هم وجود دارد.

وجه اختصاصی موجودات ماهیت است یعنی هر موجود و پدیده ای ماهیت و چیستی مخصوص خود را دارد و با سایر موجودات متفاوت است برای مثال چیستی و ماهیت درخت با انسان کاملا متفاوت است.

---

5. مقصود ابن سینا از اینکه هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند را با مثال توضیح دهید.

به این معنا نیست که چیستی و هستی دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده ی آب هستند. در خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم به عبارت دیگر آب و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود واحد است.

6. تفاوت آب از جنبه فلسفی و شیمی در چیست؟ از نگاه علم شیمی آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته از طریق یک آزمایش ساده به دست می آید اما از نگاه فلسفی آب یک موجود واحد و غیر مرکب ولی با دو جنبه مختلف است و انسان با نظر به این دو جنبه دو مفهوم چیستی (آب) و هستی(وجود داشتن آب) را به دست می آورد.

---

7. برای هر یک از گزاره های زیر مثال بنویسید. (تمرین کتاب)

الف) چیزی که هم دارای هستی و هم چیستی مشخص و روشن است: آب، درخت، کتاب

ب) چیزی که دارای هستی باشد اما ماهیت و چیستی آن برای ما روشن نباشد: روح، جاذبه، شیطان

ج) چیزی که ماهیتش مشخص است اما هستی و وجود ندارد: سراب، دیو ، ققنوس، سیمرغ

---

8. تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل « موجود» بر انسان چیست؟ خرداد 99

در عبارت انسان حیوان ناطق است حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و نیاز به دلیل ندارد اما در عبارت انسان موجود است رابطه وجود با انسان ضروری نیست و نیاز به دلیل دارد.

---

9. تفاوت حمل « شکل سه ضلعی» بر مثلث با حمل « موجود» بر مثلث چیست؟ شهریور 99

در عبارت مثلث شکل سه ضلعی است حمل شکل سه ضلعی بر مثلث یک حمل ضروری است و نیاز به دلیل ندارد اما در عبارت مثلث موجود است رابطه وجود و مثلث ضروری نیست و نیازمند دلیل است.

---

10. چرا در قضیه « انسان حیوان ناطق است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل ندارد؟

زیرا حیوان و ناطق جزء حقیقت و ذات انسان هستند و این دو مفهوم از یکدیگر جدا ناپذیرند هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.

---

11. آیا در قضیه مثلث شکل سه ضلعی است حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

خیر زیرا شکل سه ضلعی جزء ذات و تعریف مثلث است و از آن جدا نمی شود. هر شکل سه ضلعی مثلث و هر مثلثی شکل سه ضلعی است.

---

12. اگر مفهوم وجود عین ماهیت یا جزء آن بود چه مشکلی پیش می آمد؟ (تمرین کتاب)

الف) وجود اشیاء بدیهی می شد و نیاز به دلیل نداشت.

ب) سلب وجود از ماهیت امکان نداشت (هر چیز خیالی می توانست وجود داشته باشد).

---

13. در کدام یک از گزاره ها حمل محمول بر موضوع نیازمند به دلیل است و چرا؟ (تمرین کتاب)

الف) انسان حیوان است: نیاز به دلیل ندارد زیرا حیوان جزء ماهیت و ذات انسان است.

ب) انسان عجول است: نیاز به دلیل دارد زیرا عجول بودن جزء ذاتی و حقیقت انسان نیست.

ج) انسان ناطق است: نیاز به دلیل ندارد چون ناطق جزء ذات انسان و حقیقت اوست.

د) انسان موجود است: نیازمند دلیل است چون موجود بودن جزء ذاتی و ماهیت انسان نیست یعنی انسان می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

هـ) انسان بشر است: نیاز به دلیل ندارد زیرا بشر ذاتی و حقیقت انسان است.

ی) انسان مخلوق است: نیازمند دلیل است چون مخلوق بودن جزء ذات و حقیقت انسان نیست.

---

14. کدام عبارت صحیح و کدام غلط است. (نهایی 98 و 99)

1. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنهامی باشد. (غ)

2. حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد.(غ)

نکات مهم درس

1. موضوع دانش فلسفه **وجود** است و اصل دانش فلسفه را **وجود شناسی** نیز می گویند.

2. یکی از مباحث اولیه فلسفه درک دو مفهوم **وجود** و **ماهیت** و تعیین نسبت میان آن دو است.

3. وجود **وجه مشترک** موجودات است و ماهیت **وجه اختصاصی** آن ها.

4. **فارابی** به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرد.

5. تفاوت انسان و حیوان ناطق صرفاً در **اجمال** و **گستردگی** شان است. یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و انسال همان اجمال و خلاصه حیوان ناطق است.

6. حمل **وجود** بر هر چیستی و ماهیتی از جمله انسان نیازمند **دلیل** است. و این دلیل ممکن است **حسی** و **تجربی** باشد یا **عقلی محض**.

7. **مغایرت (فرق) وجود و ماهیت** یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.

8. برهان ابن سینا برای اثبات وجود خدا برهان **وجوب و امکان** نام دارد.

9. نظریه **مغایرت وجود و ماهیت** پایه برهان ابن سینا برای اثبات وجود خدا قرار گرفت.

10. یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام **توماس آکوئیناس** اصل مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا را در اروپا گسترش داد.

11. توماس آکوئیناس نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در **خداشناسی** قرار داد و فلسفه ی **تومیسم** را پایه گذاری نمود. فلسفه ی او بیشتر متکی به دیدگاه های **ابن سینا** و ابن **رشد** بود.

12. در قرن 16میلادی با رشد تجربه گرایی فلسفه های **حس گرا** و **تجربه گرا** در اروپا گسترش یافت.

پایان درس اول

یادآوری: هر قضیه حملی از سه جزء به نام موضوع، محمول و رابطه تشکیل می شود.

مثال: انسان حیوان ناطق است. انسان: موضوع حیوان ناطق: محمول است: رابطه یا نسبت

« درس دوم: جهان ممکنات »

1.چند نوع رابطه میان موضوع و محمول یک قضیه وجود دارد؟ با مثال تعریف کنید

الف) رابطه وجوبی (ضروری) : زمانی است که در قضیه ای ارتباط میان موضوع و محمول ضروری و حتمی باشد . مثال: عدد چهار زوج است/ انسان حیوان است.

ب) رابطه امتناعی(ممتنع) : اگر برقراری ارتباط بین موضوع و محمول یک قضیه غیر ممکن و محال باشد رابطه امتناعی است. مثال: عدد هشت فرد است / خدا دارای شریک است (خرداد 99)

ج) رابطه امکانی: زمانی است که برقراری ارتباط بین موضوع و محمول قضیه احتمالی است یعنی می تواند باشد و می تواند نباشد مثال: دیوار خانه ما سفید است / هوا سرد است.

---

2. در قضایای زیر نوع رابطه میان موضوع و محمول را مشخص کنید. (تمرین کتاب)

الف) مجموع دو ضلع مثلث بزرگتر از ضلع سوم است (واجب)

ب) ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. (ممکن)

ج) مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است. (ممتنع)

---

3. رابطه وجود را با هر یک از موضوعات زیر مشخص کنید(امکانی/ امتناعی/ وجوبی) (تمرین کتاب)

خاک (امکانی) ، مهربانی (امکانی) ، سوختن(امکانی) ، سیاهِ سفید (امتناعی) ، دیو (امکانی)،

خداوند(وجوبی) ، فرشتگان (امکانی) ، دریای جیوه (امکانی) ، روح (امکانی) ، پرنده (امکانی)

انرژی (امکانی) ، مربع پنج ضلعی (امتناعی).

---

4. منظور از واجب الوجود بالغیر چیست؟ مثال بزنید

موجوداتی هستند که در ذات و ماهیت خود ممکن الوجودند و به واسطه علت های بیرونی ضرورت وجود پیدا کردند مانند انسان و تمام اشیاء و موجوداتی که اکنون وجود دارند واجب الوجود بالغیرند.

---

5. وقتی می گوییم رابطه ماهیت انسان با وجود یک رابطه امکانی است منظور چیست؟

یعنی انسان می تواند باشد و می تواند نباشد، ذات او به گونه ای نیست که حتما باشد و همچنین به گونه ای نیست که حتما نباشد.(نسبت به وجود و عدم حالت مساوی دارد)

6. تکمیل کنید(تمرین کتاب)

الف) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد **واجب الوجود** می گویند.

ب) موضوعی را که نسبت که به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد **ممکن الوجود** می نامند.

ج) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد **ممتنع الوجود** می گویند.

موجودات و ماهیات عالم :

واجب الوجود بالذات (فقط خداوند) **:** بدون نیاز به هیچ علتی و ذاتاً موجود است و محال است که نباشد.

واجب الوجود بالغیر (انسان ، درخت): اشیاء و موجوداتی که به وجود آمده اند اما این وجود از خودشان نیست بلکه از غیر و علتی دیگر دریافت کرده اند.

ممکن الوجود بالذات (دیو، میز): در ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارند .

ممتنع الوجود بالذات (شریک خدا ، دایره منتظم الاضلاع): ذاتا چنین چیزی نمی تواند وجود داشته باشد و محال است.

نکات مهم درس

1. موجودات **ماکروسکوپی** به ابَر موجودات و موجودات **میکروسکوپی** به ریز موجودات گفته می شود.
2. تمام موجودات عالم به غیر از **خداوند** در ذات خود نسبت به وجود **حالت امکانی** دارند.
3. تمام موجودات و اشیائی که در حال حاضر در جهان وجود دارند **واجب الوجود بالغیرند**.(به جز خدا)
4. با بودن **علت**، وجود برای انسان و هر موجود دیگری **ضروری** شده و **واجب الوجود** می گردند.
5. اگر رابطه **ذاتی** یک ماهیت و موجودی با وجود رابطه **امتناعی** باشد هرگز نمی تواند به وجود بیاید .
6. اگر حقیقتی رابطه اش با وجود **ضروری** باشد حتما به وجود می آید.
7. هر واجب الوجود بالغیری در اصل **ممکن الوجود بالذات** است که با بودن **علت** واجب الوجود شده .
8. اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما در جهان **نیابیم** معلوم می شود که این ماهیت از حالت امکانی **خارج نشده** است و **علتی نیست** که بتواند آن را به وجود بیاورد.

تمرین : مشخص کنید هر یک از موارد زیر در کدام دسته از ماهیات قرار می گیرند.

خداوند (واجب الوجود بالذات)
سنگ (واجب الوجود بالغیر)
سیمرغ (ممکن الوجود بالذات)
عدد بی نهایت (ممتنع الوجود بالذات)
انسان (واجب الوجود بالغیر)
کوه الماس(ممکن الوجود بالذات)
فرشتگان (واجب الوجود بالغیر)
مثلث چهار ضلعی (ممتنع الوجود بالذات)
اجتماع نقیضین(ممتنع الوجود بالذات)
اسب آتش خوار (ممکن الوجود بالذات)

سوالات تستی

کدام مورد ممتنع الوجود است؟ کنکور 98

الف) اسب آتش خوار
ب) انسان هفت سر بالدار
ج) دایره منتظم الاضلاع
د) فیلی به اندازه مورچه

پایان درس دوم

« درس سوم: جهان علی و معلولی »

1.علت و معلول را تعریف کنید.

علت چیزی است که به معلول وجود می دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است یعنی تا علت نباشد معلول هم پدید نمی آید.

معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر یعنی علت می گیرد و در وجود خود نیامند به علت است

---

2. رابطه ی علیت را تعریف کنید و تفاوت آن را با سایر رابطه ها بنویسید. (شهریور 99)

رابطه علیت رابطه ایی وجودی است که در آن یک طرف یعنی علت به طرف دیگر یعنی معلول وجود می دهد. مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس رابطه ی دوستی بر قرار می گردد.

---

3. دیدگاه دکارت را درباره ی رابطه علیت بنویسید.

الف) اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید.

ب) یکی از مفاهیم اولیه است که به طور فطری و مادر زادی قابل درک است.

ج) درک رابطه علیت نیاز به تجربه و آموزش ندارد.

---

4. تجربه گرایان یا امپریست ها چه دیدگاهی در رابطه با اصل علیت دارند؟ با مثال بیان کنید

چون آن ها هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد. برای مثال چون زمین همیشه با آمدن خورشید روشن و با رفتن آن تاریک می شود انسان از طریق حس و تجربه یک رابطه ضروری میان خورشید وروشن شدن زمین برقرار کرده است و اسم این رابطه را علیت گذاشته است.

---

5. نظر دیوید هیوم را درباره ی علیت با ذکر مثال شرح دهید. (خرداد 99)

او می گوید برای مثال بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین در ذهن ما چنین تداعی می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها نیست.

---

6. نظر فلاسفه مسلمان را در مورد نحوه درک اصل علیت بنویسید. (شهریور99)

اصل علیت یک قاعده عقلی است و از راه تجربه به دست نمی آید زیرا هر داده ی تجربی مبتنی بر قاعده علیت است آنان می گویند همین که ذهن انسان متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست باشد و این محال است.

---

7. به نظر فیلسوفان چرا یک پدیده نمی تواند خود به خود و بدون علت بوجود آید ؟ (خرداد 99)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست قبلا بوده باشد تا بتواند اکنون خودش را بوجود بیاورد و این همان اجتماع نقیضین است که محال است.

---

8. اصل امتناع اجتماع نقیضین یعنی چه؟ یعنی محال و غیر ممکن است دو چیزی که ذاتاً با هم متناقض و ضد هستند با هم جمع شوند مانند تاریکی و نور.

---

9. با توجه به نظر ابن سینا چرا درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؟

زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را در می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست مانند هیوم نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

---

10. اصل سنخیت علت و معلول را با ذکر مثال تعریف کنید. (خرداد و شهریور99)

انسان علاوه بر اینکه درک می کند هر حادثه علتی دارد ، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و هر علتی نیز معلول خاص خود را دارد برای مثال غذا سیراب می کند و یا برای باسواد شدن باید درس خواند.

---

11. اصل سنخیت چه نقش و کاربردی در تحقیقات دانشمندان دارد ؟ دانشمندان با تکیه بر اصل سنخیت تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند ، آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

---

12. سه مورد از نتایج اصل علیت را ذکر کنید.

الف) وجود ارتباط و پیوستگی میان پدیده ها

ب) امکان پیش بینی رخدادها ج) امکان پیشگیری از برخی حوادث

---

13. چند مورد از نتایج اصل سنخیت را بنویسید.

الف) انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد بنابراین می کوشد ویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن را با اشیاء دیگر پی ببرد. تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

ب) می توان برای نظم دقیق جهان پشوانه عقلی قائل شد.

ج) امکان پژوهش و تحقیق د) تنظیم امور زندگی ه) به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش

---

14. اصل وجوب علی و معلولی را تعریف کنید.

اگر علت یک چیزی بوجود آید وجود آن چیز نیز واجب می شود و ضرورت می یابد و آن چیز موجود می شود. یعنی اگر علت موجود باشد ضرورتاً و وجوباً باعث پیدایش معلول می شود.

---

15. دیدگاه های زیر نظر کدام یک از فلاسفه در باره ی اصل علیت است؟ (تمرین کتاب)

1. علیت حاصل توالی پدیده هاست (تجربه گرایان و هیوم)
2. درک انسان از علیت درکی فطری است (دکارت)
3. چون انسان از جهت ذاتی ممکن است نیاز به علت دارد (ابن سینا)
4. اصل علیت یک اصل تجربی است (تجربه گرایان)
5. اصل علیت یک اصل کاملا عقلی است (فلاسفه ی مسلمان)

---

16. اشعار زیر کدام اصل را تایید می کنند؟

الف) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو (سنخیت علت و معلول)

ب) چو بد کردی مشو غافل ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات (وجوب علی و معلولی)

نکات مهم درس

1. انسان از همان اوایل کودکی از **چیستی** و **چرایی** اشیاء پرسش می کند.
2. یکی از کهن ترین مسائل فلسفی مسئله **علت و معلول** است.
3. رابطه میان علت و معلول یک رابطه **وجودی** است.
4. کلمه **چرا** بازتابی از درک رابطه علیت است.
5. از نظر دکارت یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند **تجربه** و **آموزش** است.
6. هیوم تنها راه شناخت واقعیات را **حس** و **تجربه** می داند.
7. هیوم با اینکه فیلسوفی **تجربه گراست** اما درک رابطه علیت از طریق حس و تجربه را **غیر ممکن** می داند.
8. **تداعی ذهنی** از نظر هیوم به معنای امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده هاست.
9. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن **اصل علیت** دست به تجربه می زنند.
10. هر تلاش تجربی مبتنی بر قاعده **علیت** است.
11. فلاسفه مسلمان با استفاده از اصل **امتناع اجتماع نقیضین** اثبات می کنند که یک پدیده خود به خود به وجود نمی آید.
12. حالت یک معلول را که ذاتاً **ممکن الوجود** است می توان به دو کفه ترازو تشبیه کرد که در حالت **تساوی** هستند.
13. کشف علل امور طبیعی از طریق **حس** و **تجربه** صورت می گیرد.
14. فیلسوفان به جز **تجربه گرایان** اصل سنخیت را همانند اصل علیت یک اصل **عقلی** می دانند.
15. دانشمندان با تکیه بر اصل **سنخیت** تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.
16. آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد **علت** است.
17. معلول قطع نظر از علت (بدون توجه به علت) **امکان ذاتی** دارد.
18. اصل علیت به **وجود بخشی** علت به معلول اشاره دارد .
19. اصل سنخیت به **تناسب** و **هماهنگی** علت و معلول اشاره می کند.
20. اصل وجوب علی و معلولی بیانگر**ضرورت بخشی** علت به معلول است.

پایان درس سوم

« درس چهارم: کدام تصویر از جهان »

1.نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان را بنویسید. (خرداد99)

به نظر او ماده اولیه تشکیل دهنده جهان اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بودند و بر خورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

---

2. نظریه مه بانگ (بیگ بنگ) را تعریف کنید.

بر اساس این نظریه جهان کنونی و میلیاردها کهکشان بر اثر یک انفجار بزرگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

---

3. لازمه و نتیجه هر یک از اصول زیر چیست؟ (دی 98 / خرداد 99)

اصل علیت: ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن

اصل وجوب بخشی علت به معلول : تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

اصل سنخیت میان علت و معلول: نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

---

4. چهار معنی « اتفاق » را ذکر کنید و با مثال توضیح دهید.

معنای اول: این است که میان حوادث جهان و پدیده های آن هیچ رابطه ضروری نیست

برای مثال همه عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد ولی باران نبارد(نفی ضرورت و اصل وجوب بخشی علت به معلول)

معنای دوم: این است که سنخیت و تناسبی میان اشیاء و آثار آن نیست و چه بسا پدیده ای ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد.مثلا آفتاب سبب تاریکی شود یا یخ باعث حرارت و گرما بشود. (نفی اصل سنخیت علت و معلول)

معنای سوم: نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان (نفی غایتمندی حوادث جهان)

معنای چهارم: رخ دادن حوادث پیش بینی نشده . به طور مثال دیدن دوستی قدیمی در یک فروشگاه

---

5. انواع علت را نام برده و با مثال تعریف کنید.

علت تامّه: هر گاه وجودِ تنها یک علت باعث پیدایش معلول شود آن علت را تامه می نامند برای مثال آفتاب علت روشنایی است.

علت ناقصه: به هر یک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند علت ناقصه گفته می شود

برای مثال برای نوشتن روی کاغذ، وجود قلم ، انسان ، کاغذ و اراده انسان و .. برای نوشتن باید باشد هر یک از این عوامل علت ناقصه هستند و مجموعه عوامل علت تامه می باشند.

---

6. پذیرش اتفاق به معنی دوم (نفی سنخیت) چه تاثیری در اندیشه و سبک زندگی یک فرد دارد؟

(انکار اصل سنخیت چه آثار و نتایجی به دنبال دارد؟)

الف) پذیرش این معنای اتفاق نفی سنخیت و تناسب علت و معلول را به دنبال دارد، اگر کسی واقعا اصل سنخیت را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی را از هر چیزی ممکن بداند به هیچ کاری دست نخواهد زد مثلا نمی تواند برای رفع تشنگی آب بنوشد زیرا رابطه ای میان آب و رفع تشنگی مشاهده نمی کند.

ب) علاوه بر این چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل طبیعی پدیده ها تشویق کند.

ج) در حقیقت انکار اصل سنخیت بی اعتباری و و بی اعتنایی به همه علوم است و متناقض با هستی نظام مند و قانومند است.

---

7. پذیرش اتفاق به معنی سوم یعنی نفی غایتمندی جهان چه تاثیری در تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

پذیرفتن این معنای اتفاق نفی علت نخستین جهان و آفریننده است زیرا غایتمندی جهان به این معناست که همه حوادث با هدف مشخص و از پیش تعیین شده رخ می دهد و قبول این غایتمندی فقط با قبول کردن علت نخستین یا علت العلل (خداوند) امکان پذیر است. پس اگر کسی نظم و غایتمندی جهان را نپذیرد خدا را نپذیرفته است.

---

8. کدام دسته از فلاسفه اتفاق به معنای نفی غایتمندی را قبول ندارند؟ توضیح دهید(خرداد 99)

آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند معتقدند که این نوع اتفاق امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. یعنی این جهان به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

9. کدام دسته از فیلسوفان اتفاق به معنای نفی غایتمندی جهان را قبول دارند؟

گروهی از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند غایتمندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایند های تکاملی در جهان را امری اتفاقی می دانند که از پیش تعیین شده نبوده است.

---

10. تنها معنای صحیح اتفاق کدام است؟ چرا

اتفاق به معنی چهارم یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده ، زیرا با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

---

11. آیا کسی وجود دارد که معنای اول اتفاق یعنی نفی ضرورت و وجوب بخشی علت به معلول را پذیرفته باشد؟ خیر هیچ فیلسوفی موافق این معنا نیست.

---

12. چرا گاهی برخی از مردم گمان می کنند رابطه ضرورت میان علت و معلول برقرار نیست؟

زیرا آنان از تمام اجزای علت آگاه نیستند یعنی ممکن است علت ناقص باشد و مجموعه عوامل لازم برای پدید آمدن معلول کافی نباشد .

---

13. کدام گروه از فلاسفه اتفاق به معنای سوم یعنی نفی سنخیت را قبول ندارند؟

تمام فلاسفه اسلامی از جمله ملاصدرا ، طباطبایی و ابن سینا و برخی فیلسوفان اروپایی

دیدگاه فلاسفه در مورد اتفاق به طور خلاصه

اتفاق به معنای اول (نفی ضرورت): هیچ کس موافق نیست.

اتفاق به معنای دوم (نفی سنخیت): فیلسوفان اسلامی و برخی فیلسوفان اروپایی مخالفند.

اتفاق به معنای سوم (نفی غایتمندی)

گروهی که به علت نخستین و خداوند معتقدند مخالف این معنا هستند.

گروهی که به خداوند و علت نخستین اعتقاد ندارند این اتفاق را قبول دارند.

اتفاق به معنای چهارم (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده): همه فیلسوفان این معنا را قبول دارند.

---

14. اشعار زیر کدام یک از معانی اتفاق را رد می کنند؟

الف) گندم ز گندم بروید جو ز جو (نفی سنخیت)

ب) از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم (نفی غایتمندی)

نکات مهم درس

1. برخی از دانشمندان زیست شناس معتقدند بیشتر موجودات روی کره زمین به علت **ناسازگاری** با محیط از بین رفته اند و تنها آن دسته که به طور **اتفاقی** تغییرات بدنی شان با محیط سازگار بوده رشد کرده اند.

2. نظریه **مه بانگ** باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان اتفاقی و بدون یک علت وجود دهنده بوده است.

3. یکی از اقدامات موثر و مهم فیلسوفان **دقت** در **مفاهیم عامیانه** و نقد و تصحیح یا تعمیق آن هاست.

4. مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا **الهیات شفا** نام دارد که در همین کتاب به مبحث **اتفاق** و **شانس** نیز پرداخته است.

5. اگر برای مثال کسی معتقد باشد با وجود تمام عوامل پیدایش باران، باران نمی بارد اصل **وجوب بخشی** یا **ضرورت** علت به معلول را انکار کرده است.

6. اگر کسی بگوید حرارت سبب یخ بستن آب می شود اصل **سنخیت** را انکار کرده است.

7. انکار اصل سنخیت **بی اعتباری** و **بی اعتنایی** به همه علوم را به دنبال دارد.

8. علت العلل یا علت بالذات همان **خداوند** است.

9. تنها کاربرد و معنای صحیح اتفاق معنی **چهارم** آن یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده است.

10. اگر کسی بگوید در برخی موارد در عین وجود علت تامه ، معلول بوجود نمی آید اتفاق به معنای **نفی ضرورت** را پذیرفته است.

پایان درس چهارم

« درس پنجم: خدا در فلسفه (1) »

1. جامعه ی یونان که فیلسوفان بزرگ از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو در آن زندگی می کردند از نظر اعتقادات دینی در چه شرایط و وضعیتی قرار داشت؟

مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می دانستند.

اعتقاد به این خدایان که تعدادشان به ده ها مورد می رسید چنان محکم و ریشه دار بود که انکار آن ها ، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت و به خدایان توهین کند.

---

2. برخی از خدایان یونان باستان را نام ببرید.

زئوس (خدای آسمان و باران) آپولون (خدای خورشید و هنر و موسیقی)

آرتمیس (خدای عفت و خویشتن داری)

---

3. اتهام اصلی سقراط در دادگاه که منجر به اعدام او شد چه بود؟

او خدایانی را که همه به آن ها معتقدند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.

---

4. عقیده ی افلاطون در مورد خدا چیست؟

خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و کار او هدفدار است.

---

5. از نظر افلاطون چرا چند خدایی شکل دیگر از کفر و بی خدایی است؟

زیرا در چند خدایی خلقت آگاهانه معنا ندارد، چند خدایی یا همان شرک نمی تواند نظم حکیمانه جهان را تبیین کند چون چند خدایی ها عقیده داشتند که میان خدایان اختلاف و جنگ رخ می دهد و هر کدام می خواهد بر دیگران چیره شود لذا این اعتقاد تفاوت چندانی با بی خدایی ندارد.

---

6. افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟ (خدا نزد افلاطون دارای چه صفاتی است؟)

در سوی دیگر نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است ، نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگر فرو می شود ، او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

7. افلاطون گاهی از خداوند با دو عنوان یاد می کند آن دو عنوان کدامند و منظور چیست؟

الف) مثال خیر: همه چیز در پرتو خداوند دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست حقایق نیز شبیه به مثال خیر هستند نه خود آن.

ب) خالق و آفریننده عالم: یگانه سخنی که درباره نظم و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان زیر فرمان عقل قرار دارد. (بیان اولیه و ساده برهان نظم)

---

8. ارسطو برای اثبات وجود خدا از چند برهان و استدلال استفاده می کند؟ هر یک را توضیح دهید.

الف) برهان خوبترین و بهترین موجود: در میان موجودات برخی خوبتر و بهتر از برخی دیگرند، هر جا که یک خوبتر و بهتر هست خوبترین و بهترین نیز هست پس حقیقتی هم که خوبترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است. (شهریور 99)

ب) برهان نظم: نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار نباشد. (شهریور 99)

ج) برهان حرکت: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک حرکت نداشته باشد زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز نیازمند محرک سوم است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلا محال است.

(پس محرک اصلی و اول همان خداوند است که نیاز به هیچ محرکی ندارد و ثابت است).

---

9. در دوره جدید اروپا کدام جریان ها و مکاتب فلسفی شکل گرفتند ؟ برای هر گروه فیلسوفانی مثال بزنید.

جریان عقل گرایان مانند کانت و دکارت

جریان حسی گرایان و تجربه گرایان مانند هیوم

---

10. استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا را بیان کنید.

الف) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که من و همه چیز را آفریده تصوری دارم.

ب) این تصور نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم.

ج) پس وجودی نامتناهی یعنی خداوند این ادراک و تصور را به من داده است.

---

11. به نظر هیوم کدام دلایل برای اثبات وجود خدا مردودند ؟ چرا؟

دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند. زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

---

12. از نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات وجود خدا کدام است؟ دلیل ناتوانی این برهان برای اثبات یک وجود ازلی و ابدی نامتناهی چیست؟ (خرداد 99)

برهان نظم. زیرا این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق ، همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

---

13. استدلال کانت برای اثبات وجود خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

او می گوید انسان دارای اصول اخلاق و مسئولیت پذیری است و رعایت اخلاق تنها با اختیار و اراده انسان ممکن است. اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی و جاودان باشد که روح نام دارد. این روح و نفس مجرد چون موجودی جاودانه و غیر مادی است برای سعادت دائمی خود به جهانی فراتر از دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است که رفتار او را زیر نظر دارد بنابراین قبول خداوند پشتوانه رعایت اصول اخلاقی است.

---

14. رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که انسان و جهان را مادی می دانستند چه تاثیراتی در جامعه اروپایی به جای گذاشت؟

پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داد بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان بخشی از جامعه اهداف مادی محدود شد و زندگی بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معنا داری زندگی پدید آمد.

---

15. سه فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کرده اند نام ببرید. (شهریور 99)

ویلیام جیمز / برگسون / کرکگور

---

16. ایمان را از نظر کرکگور تعریف کنید. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند، خدا انسان مومن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش (ایمان) نشود زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

17. بحران معنا داری زندگی در قرن بیست و یکم چه تغییری در نگرش فیلسوفان به وجود آورد؟

فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا می کوشیدند به جای ذکر دلایل اثبات وجود او به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدا خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

---

18. زندگی معنا دار را تعریف کنید. زندگی است که دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاق است و انسان را نسبت به آینده اش مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

---

19. از دیدگاه کاتینگهام قبول خداوند چه تاثیری بر نگرش و زندگی انسان خواهد داشت؟ زندگی انسان را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را به ما می دهد به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که هیچ چیز در نهایت اهمیت ندارد می توانیم مأمن و پناهگاهی به نام خدا بیابیم.

---

20. کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است (خرداد و شهریور 99 / دی 98)

1. دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم (ص)

2. از نظر کانت، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. (ص)

3. به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده ی خداشناسی فلسفی است. (ص)

4. ارسطو می گوید بدون موجودی جاودان و برتر از ماده، وجود نظم و انتظام در جهان محال است (ص)

---

21. هر یک از عبارت های زیر عقیده کدام فیلسوف است؟ (امتحان نهایی 98 و 99)

1. از سویی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود. (افلاطون)

2. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. (کرکگور)

3. دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند. (هیوم)

4. دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (ویلیام جیمز)

5. پذیرش خداوند زندگی ما را با اهمیت و با ارزش و معنا دار می سازد. (کاتینگهام)

6. اختیار و اراده نمی تواند از ویژگی های بدن مادی باشد. (کانت)

22. عقاید و استدلال های فیلسوفان زیر در مورد خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

افلاطون: یک خدا با ویژگی های روشن وجود دارد. خداوند مثال خیر و خالق عالم است.

ارسطو: خداوند خوبترین و بهترین موجود است، محرک اولیه و اصلی است و ناظم این جهان است که موجودی جاودان و برتر از ماده است.

دکارت: خداوند حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر است که قدرت تصور و ادراک را به ما داده است .

هیوم: دلایل فیلسوفان برای اثبات خدا را رد می کند و معتقد است یا خدایی وجود ندارد یا نمی توان اثبات کرد.

کانت: او وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

ویلیام جیمز: دلایل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

کرکگور: ایمان هدیه ای الهی است که خدا به انسان مومن عطا می کند و بدون ایمان زندگی تاریک است.

کاتینگهام: قبول خداوند زندگی ما را با ارزش و با اهمیت می سازد و خداوند مامن و پناهگاه انسان است.

نکات مهم درس

1. اندیشه درباره **خدا** یک اندیشه دیرین در تمام جوامع بشری بوده است.
2. افلاطون در فضای شرک آلود یونان تصمیم گرفت با دقتی **فلسفی** و **استدلالی** درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.
3. به نظر تیلور ، **افلاطون** ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
4. برهان مشهور ارسطو برای اثبات خدا برهان **حرکت** نام دارد.
5. کانت ضرورت وجود خدا را از طریق **اخلاق** و **وظایف اخلاقی** اثبات می کند.
6. به نظر کانت اختیار و اراده از ویژگی **نفس مجرد** یا **روح** است نه بدن مادی.
7. کانت معتقد است سعادت روح در کسب **فضیلت** و **رعایت اصول اخلاقی** است.
8. کاتینگهام می گوید در قرن جدید برخی فیلسوفان به این سمت رفتند که خدا را **عامل اصلی معنا بخشی به زندگی** معرفی کنند.
9. به نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات خدا برهان **نظم** است.
10. ارسطو که از قدرت منطقی و استدلالی قوی برخوردار بود کوشید **قدم های اولیه** را برای اثبات خدا با برهان ها و استدلال هایش بردارد..
11. در قرن جدید بحران معنا داری زندگی موجب شد فلاسفه به جای اثبات خدا به رابطه میان **اعتقاد به خدا** و **معنا داری زندگی** توجه کنند.
12. کانت و دکارت تلاش کردند **پایه های عقلی** اعتقاد به خدا را استوار سازند.
13. **فیلسوفان تجربه گرا** به جز هیوم برهان نظم را **معتبر** دانسته و به خدا **معتقد** بودند.

14. افلاطون می گوید: کل این جهان زیر فرمان **عقل** قرار دارد.

15. به عقیده افلاطون از طریق **حواس** نمی توان خدا را دریافت ، فقط با **تفکر** و **تعقل** می توان به او دست یافت.

پایان درس پنجم

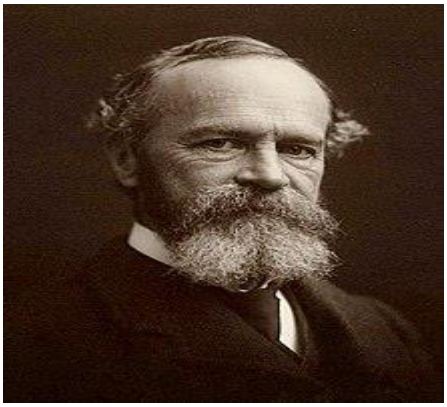

« درس ششم : خدا در فلسفه (2) »

1.بیان و استدلال فارابی را برای اثبات وجود خدا بنویسید.

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.

ب) هر چیزی که وجودش از خودش نیست علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد ناچاراً این معلول هم علت دیگری دارد و اگر علت دوم هم معلول باشد برای موجود شدن به علت سومی نیاز دارد.

و اگر سلسه علت ها تا بی نهایت پیش برود در این صورت تسلل علل نامتناهی پیش می آید .

د) تسلل علل نامتناهی محال است زیرا اگر سلسله علت ها تا بی نهایت به عقب بر گردد به معنی آن است که باید بی نهایت موجود پدید آید تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و این غیر ممکن است.

نتیجه: چون سلسه علت و معلول نمی تواند تا بی نهایت به عقب برگردد در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست و خودش واجب الوجود و علة العلل است.

---

2. منظور از تسلل علل نامتناهی چیست؟ یعنی سلسله علت ها تا بی نهایت پیش برود و به علتی ختم نشود که معلول دیگری نباشد و وجودش از خودش باشد.

---

3. برهان وجوب و امکان ابن سینا (در مورد اثبات خدا)را شرح دهید. (شهریور 99)

الف) وقتی به موجودات جهان نگاه می کنیم می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی هستند یعنی ذاتاً ممکن الوجودند.

ب) ممکن الوجود بالذات برای خروج از حالت تساوی نیازمند واجب الوجود بالذات است.

ج) پس موجودات این جهان به واجب الوجود بالذاتی وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

---

4. از نظر ابن سینا واجب الوجود چند نوع است؟

واجب الوجود بالذات (خداوند) واجب الوجود بالغیر (اشیاء و موجودات عالم)

---

5. واجب الوجود بالذات را تعریف کنید (شهریور 99)

همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

---

6. پیام اصلی ابن سینا و پیروانش درباره ی وجود و منشأ موجودات جهان را بنویسید؟

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند واجب الوجود بالغیرند یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

---

7. نظریه امکان فقری یا فقر وجودی را کدام فیلسوف مسلمان مطرح نموده است؟ آن را شرح دهید

ملاصدرا، اگر به واقعیات و موجودات نگاه کنیم می بینیم که عین وابستگی و نیازند او این وابستگی را فقر وجودی یا امکان فقری نامید، موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود

بی نیاز و برخوردار باشد پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند که همان خداوند است. (خرداد و شهریور 99).

---

8. از نظر ملا صدرا وجود چند نوع است؟

وجود بی نیاز و غیر وابسته (خداوند) وجودهای نیازمند و وابسته (همه واقعیات و موجودات)

---

9. پیام اصلی و نتیجه نظریه امکان فقری یا فقر وجودی چیست؟ بر اساس این نظریه جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر خداوند لحظه ای پرتو عنایت خود را باز گیرد کل موجودات نابود گشته و نور آن ها خاموش می شود.

---

10. چند مورد از معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فلاسفه مسلمان را بنویسید. (نهایی 98 و 99)

(شاخصه های فلسفی یک زندگی معنا دار را بنویسید)

1. جهان را غایتمند بیابد و این غایتمندی را توضیح دهد
2. انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.
3. برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود.

4. آرمان های مقدس وفراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

5. در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

---

11. تعریف عشق را از دیدگاه ابن سینا بنویسید (خرداد 99)

هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش ، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان است. همین اشتیاق و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است عشق می نامیم.

---

12. کدام عبارت درست و کدام نادرست است؟ (خرداد 99)

1. از نظر ابن سینا ، بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیاز آن ها را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد. (ص)

2. به عقیده فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. (ص)

3. وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود علت مشروط به وجود معلول است (غ)

---

13. اشعار زیر در بر دارنده چه پیامهایی هستند و کدام نظریه را تایید می کنند؟

الف) بود نامحرمان را چشم و دل کور وگرنه هیچ ذره نیست بی نور

که تا دانی در هر ذره ی خاک یکی نور است تابان گشته زان پاک

پیام: سراسر جهان هستی تعلق و نیاز به ذات خداوند دارند و خود هیچ استقلالی ندارد و بدون او همه نابود و خاموش می شوند.

نظریه فقر وجودی ملاصدرا

ب) فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاک عشق آبی ندارد

گر اندیشه کنی از راه بینش به عشق است ایستاده آفرینش

پیام: عشق و محبت به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره مند از عشق الهی است و اوست که چنین عشقی را در ذات جهان هستی به ودیعت نهاده است.

موید و مرتبط با تعریف عشق از دیدگاه ابن سینا.

---

14. فیلسوفان مسلمان وجود خدا و تاثیر آن در حیات انسانی را در مقام مثال به چه چیزی تشبیه می کنند ؟ توضیح دهید.

شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی دانسته اند آنان می گویند بشر از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را واقعی می یابد و از آن می نوشد و سیراب می شود. موضوع خدا نیز این گونه است ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با او ارتباط معنوی بر قرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد.

نکات مهم درس

1.سخن و بحث فیلسوف تا زمانی فلسفی است که از روش فلسفه یعنی **استدلال عقلی** استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت **استدلالی** عرضه کند

2. فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد بلکه کسی است که بر اساس **قواعد فلسفی** عقیده ای را بپذیرد و با قواعد فلسفی از عقیده اش دفاع کند.

3. فیلسوف معتقد به خدا از طریق **استدلال** به او اعتقاد پیدا کرده و از او دفاع می کند.

4. به نظر فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا از طریق **استدلال عقلی** امکان پذیر است.

5. فارابی می گوید: معلول بودن هر موجود و نیاز آن به علت مانند **متکی بودن** هر آجر به آجر دیگر است و علت همان **ستونی** است که نگهدارنده ی همه آجر هاست.

6. از نظر فارابی در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها ، علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست یعنی خودش **واجب الوجود** و **علة العلل** است.

7. وجود علت **مقدم** بر وجود معلول است و وجود معلول **مشروط** بر وجود **علت** است.

8. فارابی از برهان **علیت** (علت و معلول) برای اثبات خدا استفاده کرد.

9. ابن سینا از برهان **وجوب و امکان** برای اثبات وجود خدا بهره برد.

10. ابن سینا می گوید: موجودات جهان بر حسب ذات خود **ممکن الوجودند** اما از این حیث که اکنون موجودند **واجب الوجود بالغیر** هستند یعنی از **واجب الوجود بالذات** نشئت گرفته اند.

11. **توماس آکوئیناس** که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می کرد برهان وجوب و امکان را نیز در اروپا گسترش داد.

12. در جهان اسلام فلاسفه ای مانند **بهمنیار، خواجه نصیر طوسی ، میرداماد** و **شیخ بهایی** از برهان وجوب و امکان ابن سینا استفاده کردند.

13. **ملاصدرا** و **صدرائیان** برهان وجوب و امکان ابن سینا را **ارتقا** بخشیده و از بیان قوی تری بهره بردند.

14. ملاصدرا ملقب و مشهور به **صدر المتالهین** است. او از برهان **فقر وجودی** یا **امکان فقری** برای اثبات خدا استفاده کرد.

15. فلاسفه مسلمان می گویند اعتقاد داشتن به خداوند در صورتی باعث معنا بخشی به زندگی می شود که انسان واقعا از یک **راه درست** و **معقول** خدا را پذیرفته باشد.

16. ابن سینا **عشق** را سبب بقای ممکنات و مخلوقات می داند.

17. پذیرش هر کس نسبت به خداوند به اندازه **قدرت علمی** و **فکری** اوست.

18. ابن سینا می گوید: هر موجودی در این جهان بهره مند از **جاذبه عشق الهی** است.

پایان درس ششم

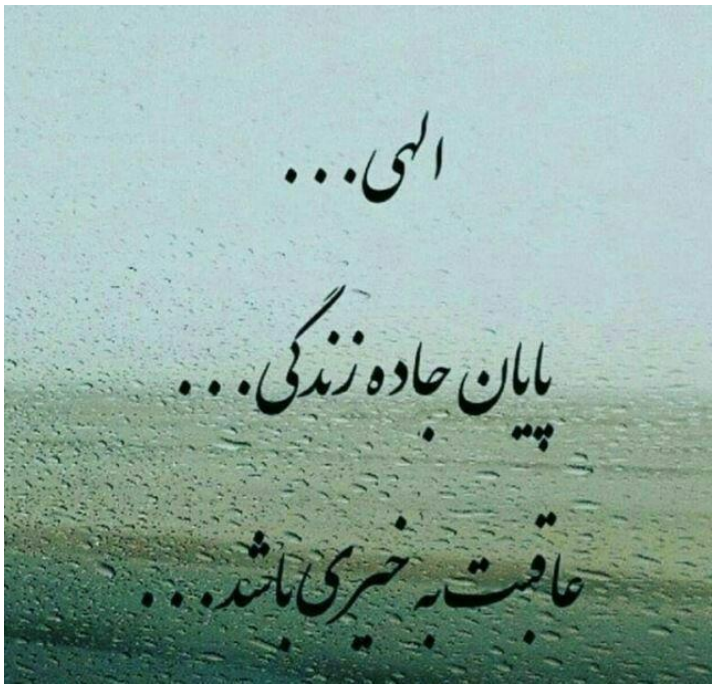

« پایان بخش اول جزوه »

موفق و سربلند باشید / ابابکری دبیر فلسفه و منطق

مهر ماه 99